گزارش

صداهایی که شنیده نمی‌شود

انتقاد سید مهدی معینی درنشست بررسی کتاب «شهر همگان» از وضعیت نظارت بر طراحی‌های شهری

غزاله حسین‌پورا| شهر همگان، چنان که از ظاهر این ترکیب برمی‌آید، شهری است که به همه شهروندان تعلق دارد. به عبارتی، در چنین شهری همه آحاد باید به آن احساس تعلق کنند تا در پی این تعلق، تعهد را نیز در خود احساس کنند. این امر، مسئولیت‌پذیری در قبال جایی را که در آن زندگی می‌کنیم در همه ما ایجاد یا حفظ می‌کند تا در امر نگهداری و سلامت و حتی پیشرفت این محیط، دغدغه‌مند و کوشا باشیم. اما متولیان و مدیران شهر باید این نکته مؤکد را مدنظر داشته باشند و در طراحی شهر، به «همه» شهروندان توجه کنند. بدیهی است که این «همه» کودکان، سالمندان، زنان و معلولان را نیز دربرمی‌گیرد.کتاب «شهر همگان» با چنین دیدگاهی با پژوهش و قلم دکتر سید مهدی معینی تألیف شده است.

نشست نقد و بررسی این کتاب، بعدازظهر شنبه این هفته، به همت کانون هم‌اندیشی معماری مشهد، بنیاد چهارطبقه و پژوهشکده ثامن، در شهرکتاب مشهد برگزار شد.

● **شهر باید منعطف و در دسترس باشد**

دکتر سید مهدی معینی، مؤلف کتاب «شهرهمگان»، در توضیح چگونگی شکل‌گیری این اثر گفت: ایده تألیف این کتاب سال ۱۳۸۵ در ذهن من شکل گرفت. در آن زمان، همایش بزرگی برای مناسب‌سازی شهر تهران برگزار شده بود. محل برگزاری این همایش یک سالن بسیار مجهز در ۲ طبقه با ۱۰۰۰ صندلی بود. از آنجا که برخی سخنرانانْ معلول و برای حضور در سالن دچار مشکل بودند، جلسه با تأخیر شروع شد. از همان زمان، این ایده در ذهن من شکل گرفت که لازم است به بحث شهر همگان پرداخته شود. البته برای انتخاب واژه مناسب، چندین ماه جست‌وجو کردم و در نهایت به «شهر همگان» رسیدم.

این مدرس دانشگاه ادامه داد: در این زمینه، مباحثی مانند برخورداری از فرصت برابر اشتغال، دسترسی به کار، اماکن و حمل‌ونقل عمومی و برطرف کردن موانع معمارانه مورد تأکید است. برای قابل درک شدن بیشتر این مفهوم، باید اشاره کنم که inclusive را به فراگیری و همه‌شمولی ترجمه کردم اما چون این لغت خیلی مأنوس نبود، شهر همگان را به کار بردم. این عبارت در مقابل شامل نشدن، انزوا و طرد شدن قرار دارد. آنچه مسلم است این است که طراحی فضا به معنای تزیین و آرایش محیط نیست. تلاش کردم در این کتاب این موضوع را انتقال دهم. طراحی برای همگان یعنی اطمینان از قابل دسترس بودن محصول. بنابراین از دید برنامه‌ریزی، تلاش inclusive این است که صداهایی را که شنیده نمی‌شود منتشر کند. شهر باید منعطف و مناسب برای گروه‌های سنی مختلف برنامه‌ریزی شود.

به گفته معینی، کتاب او دیدگاه‌های نظری، سیاست‌ها و ملاحظات طراحی و آماده‌سازی شهر را برای ۴ گروه آسیب‌پذیر یعنی کودکان، سالمندان، افراد معلول و زنان در بر می‌گیرد و همچنین به مسائلی چون مدیریت بحران در شهر همگان می‌پردازد. این پژوهشگر با بیان اینکه شهرها محل ثروت، قدرت و منزلت اجتماعی هستند و از طرفی محل ترس و تهدید و فرصت هم می‌توانند به شمار آیند، اضافه کرد: مفهوم شهر همگان در ادبیات جهانی بسیار گسترده است، اما به سبب زمان کم و محدودیتی که داشتم، بیشتر روی ۳ موضوعی تمرکز کردم که مورد تأکید ادبیات جهانی است: دسترسی‌پذیری، ایمنی و امنیت و شهری بدون مانع.

● **نظارت شایسته‌ای روی کار طراحان شهری نیست**

او با انتقاد از وضعیت نظارت بر طراحی‌های شهری گفت: سال‌های اخیر مرسوم شده است که تمام کارها را به بخش خصوصی واگذار و به محصول کار طراحان توجه کافی نمی‌کنیم. به عبارتی، کسانی که باید نظارت شوند، دستگاه نظارت را هم به خدمت گرفته‌اند و هر چیزی را در فضای عمومی به معرض استفاده عموم می‌گذارند. بنابراین باید نظارت عمومی بر کار طراحان شهری صورت گیرد تا محصولشان بهبود پیدا کند.

مؤلف کتاب «فرایندهای توسعه شهری، طرح‌ها و برنامه‌ها» شهر همگان را منبعث از شهر پایدار دانست و افزود: این شهر به تفکر در طراحی می‌پردازد و نیازها و فرم و عملکرد محصول مورد استفاده شهروندان را بررسی همه‌جانبه می‌کند. همچنین از نظر روش‌شناسی به این می‌پردازد که آیا فرایند طراحی بر اساس نیاز همگان بوده است یا خیر. تحقق این شهر، با یک دستورالعمل، مصوبه یا کتاب امکان‌پذیر نیست. مشاور شهردار مشهد همچنین خاطرنشان کرد: متأسفانه به رغم اینکه در ۲ سال اخیر در مشهد روی این مبحث کار کرده‌ام، شورای شهر این مضمون را به گونه‌ای دیگر استنباط و با مصوبه‌ای که در قالب شهر همگان تصویب کرده، این مفهوم را در قالب شهر نبرده است.

● **شهرها را مردانه و برای آدم‌های سالم ساخته‌ایم**

معینی تأکید کرد: ما شهرها را مردانه و برای آدم‌های سالم ساخته‌ایم. باید در طراحی، معیار را از افراد متوسط فراتر ببریم و رعایت ضوابط مناسب‌سازی ساختمان‌ها و فضاهای عمومی برای همگان به‌ویژه ناتوانان، در اولویت قرار گیرد. سنجش موفقیت فضاهای عمومی در شهرها در گرو این است که چقدر این فضاها منعطف است.

او در بخشی دیگر از صحبت‌هایش در این نشست گفت: از سال ۱۹۹۰ میلادی در آمریکا قانون حمایت از افراد کم‌توان در دستورکار قرار گرفت. در سال ۲۰۰۵ هم قانون جدیدی در مجلس انگلیس تصویب شد که تبعیض علیه معلولان را برنمی‌تابید. در ایران هم از سال ۱۳۶۸ ستادی زیر نظر وزیر کشور به نام ستاد مناسب‌سازی شروع به کار کرد. اما این ستاد و مجموعه کتاب‌ها و قوانین موجود نتوانسته است نیازهای شهر ما را بهبود ببخشد. تنها ضوابط و مقررات کافی نیستند، بلکه باید آموزش کافی و سازوکار اداری برای طراحان و ناظران وجود داشته باشد. پیاده‌ها باید اجازه داشته باشند بی‌بروبرگرد در سطح صفر زمین بمانند. دوران زیرگذر و پل عابر تمام شده است. تا این تفکر اصلاح نشود و شهر برای همگان رویکردی را سامان ندهد، امکان اینکه در این باره وضعیت بهتر شود وجود ندارد.

مؤلف کتاب «شهر همگان» در این پژوهش به موضوع کودکان و زنان به طور ویژه پرداخته است. به گفته او، امروز مصادره فضاهای عمومی به جایی رسیده که به ضرر بسیاری از اقشار از جمله کودکان تمام شده است: کودکان به ۵ نوع فضا شامل فضاهای طبیعی، فضاهای باز، فضاهای جاده‌ای، فضاهای مخفی و فضاهای بازی نیاز دارند که اگر این پیش‌بینی نشده باشد، باعث بیماری آنان خواهد شد. زنان نیز به عنوان شهروندان پنهان خیلی بیشتر از مردان به فضاهایی برای امنیت فکری احتیاج دارند. نابرابری جنسیتی در خیلی از فضاهای ما مشهود است و نیاز به جداسازی برخی فضاها بیش از قبل احساس می‌شود.

● **همه باید بتوانند به شهرداری پیشنهاد دهند**

در ادامه این نشست، دکتر مرضیه ترابی، طراح شهری و مدرس دانشگاه، در ارتباط با موضوع جلسه نکاتی را درباره طراحی شهری مطرح کرد. او گفت: وقتی شهر را جای تجربه بدانیم، مواجهه ما با آن خیلی فرق خواهد کرد. بخش اعظم آنچه در مشهد اتفاق می‌افتد، روند معکوس است. برای نمونه، به جای ساخت و اختصاص پارکینگ‌های متعدد برای ساختمان‌های تجاری، به این فکر نمی‌شود که چرا باید این حجم از ماشین به قلب اجتماعی شهر بروند. ما شهر را خودرومحور می‌بینیم. این موضوع فقط حذف حق و حقوق پیاده نیست. پیامد بدتر آن را به این زودی نمی‌توان درست کرد و آن تغییری است که در نگاه جامعه شهروند به شهر اتفاق می‌افتد. ما داریم تمام شهر را مصرف می‌کنیم، نه استفاده.

ترابی همچنین ضمن مقایسه فضای شهری مشهد با برلین که در آن تحصیل کرده است، بیان کرد: وقتی راجع به گروه‌های اجتماعی صحبت می‌کنیم، همه گروه‌ها مدنظر هستند. گروه‌های کوچک هم حق دارند از فضاهای شهری استفاده کنند. تا زمانی که توسعه سخت‌افزاری را در شهر فقط در نظر نداریم، به نتیجه نمی‌رسیم. فرایندی که ما طی کرده‌ایم این تأثیر را روی شهروندان گذاشته است که هر کسی سعی کند سهم بیشتری از این سفره شهری بردارد و درنتیجه حساسیت عمومی ما پایین بیاید. وقتی درباره شهر همگان صحبت می‌کنیم، باید سازوکاری در نظام مدیریت شهری وجود داشته باشد که هرکس بتواند وارد شهرداری شود و پیشنهاد یا ایده خود را به مسئولان آن برساند.

> کسانی که باید نظارت شوند، دستگاه نظارت را هم به خدمت گرفته‌اند و هر چیزی را در فضای عمومی به معرض استفاده عموم می‌گذارند. بنابراین باید نظارت عمومی بر کار طراحان شهری صورت گیرد تا محصولشان بهبود پیدا کند

فراسو

مانیفست‌نویسی تلاش بیخودی است

صحبت‌های جنجالی هرمز علی‌پور درباره شاعران مطرح معاصر

یکی از جذابیت‌های ادبیات حاشیه‌های آن است، مسائلی پیرامونی درباره زندگی شخصی شاعران و نویسندگان، تعاملاتشان با یکدیگر، موضع‌گیری‌هایشان له یا علیه اشخاص و جز این‌ها. این مسائل شاید بیشتر به کار زندگی‌نامه‌نویسان بیاید تا خود اهالی شعر و داستان، اما به هر حال خواندنی بودن آن را نمی‌توان انکار کرد. خبرگزاری ایسنا روز گذشته گفت‌وگویی با هرمز علی‌پور را منتشر کرد که این شاعر پیش‌کسوت ضمن روایت پیشینه بیش از نیم قرن شاعری خود، به مسائلی چون گرایشش به «موج ناب» و عبور از آن و نیز برخی حواشی ادبی پرداخت. او صحبت‌هایی درباره برخی نامداران و جریان‌های ادبیات معاصر ایران مطرح کرد که در نوع خود می‌تواند جنجالی تلقی شود. در ادامه گزیده‌ای از این حاشیه‌پردازی و دیگر نظرات علی‌پور را بخوانید.

● **چیزی از مانیفست شعر حجم عایدم نمی‌شد**

اولین‌بار که در ایران با مانیفست آشنا شدیم، مانیفست شعر حجم یدا... رؤیایی را خواندیم. البته نه اینکه درباره آن چیزی نمی‌دانستیم. این کارها قبلا در غرب شده بود، ولی من هرچه مانیفست شعر حجم را دقیق می‌خواندم چیزی از آن عایدم نمی‌شد. حتی وقتی رؤیایی به فرانسه رفت، من با او خیلی جدل داشتم و هنوز ۲ جعبه از نامه‌های او را دارم. یدا... رؤیایی در جایی گفته بود که خانم بهبهانی و نصرت رحمانی هم شاعر حجم هستند و نصرت به شوخی گفته بود که من علیه رؤیایی اعلام جرم می‌کنم، چون من اصلا نمی‌دانم «حجم» چیست. من در نامه‌ای به رؤیایی نوشتم که این حاتم‌بخشی و اسامی‌ای که در نامه آورده چه کسانی هستند و آیا آن‌ها شاعرند.

● **کار گروهی کار هنر و هنرمند نیست**

بعد دیدم کار شاعر شعر نوشتن است و خیلی هنر کند بتواند در طول عمرش چند شعر خوب بگوید و آن هم نه آن‌طور که فقط شعرا بفهمند و نه آن‌طور که دیگر پشت هر خاوری بشود آن شعر را بنویسی. این است که حس کردم مانیفست‌نویسی تلاش بیخودی است وگرنه خودم می‌توانستم چند جمله سر هم کنم و از پیشنهادهای خودم که به بچه‌ها داده بودم بنویسم. اما این کار را نکردم چون می‌دانستم کار گروهی کار هنر و هنرمند نیست. هنرمند واقعی اگر بتواند خودش را به اعتبار شعرش به فرهنگ شعری کشورش حتی در حد یک خط اضافه کند، شاهکار کرده است. برای همین، هیچ‌کدام از شاعران دنیا شاعری صددرصدی نیستند که مو لای درز شعرشان نرود.

اخیرا در فضای مجازی شعرهایی را از شاعران بزرگ می‌بینم و با خودم می‌گویم چقدر شانس آوردند که با شعر متوسط مطرح شدند. یعنی اعتبار آن‌ها فقط به اعتبار شعرشان نبوده است.

● **کسی جرئت نداشت نظر شاملو را نقد کند**

من با حفظ احترام برای شاملو معتقدم که متخیل‌ترین شاعر ایران منوچهر آتشی بود. او تخیل خیلی قوی‌ای داشت و شاعرانگی در او بی‌نهایت وسیع بود. آتشی برای رضاشاه شعری گفته بود و چون در مجله «تماشا» بود، این کارش را جامعه روشن‌فکری آن زمان به عنوان ممیزی تلقی می‌کرد. اما شاملو وقتی رأی و نظری می‌داد، کسی جرئت نداشت کمترین خرده‌ای بر او بگیرد، چون تا می‌خواستی حرف بزنی، می‌گفتند: بزرگش نخوانند اهل خرد/ که نام بزرگان به زشتی برد.

● **تکلیف شاعران پیش‌کسوت ما با هستی معلوم نیست**

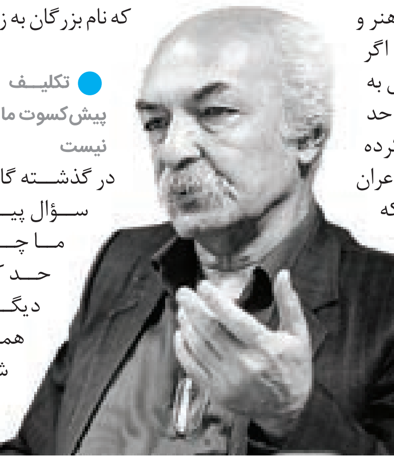

در گذشته گاهی برای من سؤال پیش می‌آمد که ما چرا آدم‌هایی در حد کافکا، کامو و دیگران نداریم. همه نویسنده‌ها و شاعران ما روستا و عشایرنویس هستند که بعدا به جایی رسیده‌اند. بعدا متوجه شدم به این علت است که ما تجربه انقلاب را نداشتیم. درست است که انقلاب مشروطه را داشتیم، اما تجربه جنگ را نداشتیم. ما بیشتر با هیجان زندگی می‌کردیم و برای همین، شاعر متفکر نداریم. آثار هرکدام از پیش‌کسوت‌های عزیز ما را هم که بخوانید، اگر بخش سیاسی، اجتماعی و شعارها را از شعرشان بیرون بکشید، معلوم نیست تکلیفشان با هستی چیست.

● **سیروس آتابای جزو ۴ شاعر بزرگ آلمان بود اما در ایران اسمش مطرح نشد**

[شاعران نسل ما] بیشتر آثار اروپایی‌ها را می‌خوانند. هیچ‌کدام از آن بچه‌ها بلد نبودند یک غزل از حافظ را بخوانند. حتی خیلی از کارهایشان از خودشان نیست. از پیش‌کسوتان تا دیگران از بی‌سوادی شعری ما سوءاستفاده کردند. من یادم هست که آقای براهنی، آقای رؤیایی و شاملو همدیگر را به سرقت متهم می‌کردند و دلیل هم می‌آوردند، مستدل و مستند. با خودم می‌گفتم: این‌ها نمی‌گویند بعدِ این‌ها کسانی می‌آیند که زبان بلدند و مترجم‌ها فقط عبدا... توکل و محمد قاضی نیستند؟ آن زمان سیروس آتابای که در آلمان زندگی می‌کرد، کتابی به اسم «وادی شاپرک‌ها» هم به زبان آلمانی و هم فارسی نوشته بود که گزیده‌ای از ۴ کتاب بود. او جزو ۴ شاعر بزرگ آلمان شناخته شد، اما در ایران اسمی از او مطرح نشد و برخی‌ها فکر کردند هیچ‌وقت مطرح نمی‌شود.

رویداد

کرونا برنامه‌های فرهنگی و هنری را تعطیل کرد

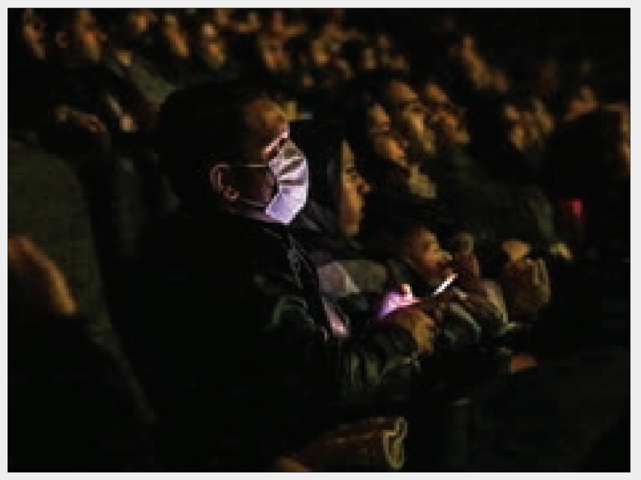

عکس:احمد حسنی/شهرآرا

نگاراراد| شیوع ویروس کرونا در کشور، برگزاری رویدادهای فرهنگی و هنری را تحت‌تاثیر خود قرار داده است، به‌طوری‌که با افزایش نگرانی‌ها مرکز روابط‌عمومی و اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرد تمام برنامه‌های هنری تا پایان هفته لغو خواهد شد. در این بیانیه آمده است: «نظر به توصیه‌های اکید بهداشتی در شرایط کنونی و ضرورت پیشگیری مناسب از خطر ابتلا به بیماری و به‌منظور صیانت از سلامت آحاد جامعه، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ضمن تشکر از همکاری صنوف مرتبط به اطلاع عموم می‌رساند تمامی برنامه‌های هنری و سینمایی در سالن‌های سراسر کشور تا پایان هفته جاری(۹۸/۱۲/۹) تعطیل می‌شود. بدیهی است که تداوم این وضعیت، منوط به بررسی مجدد شرایط و اخذ نظر مراجع ذی‌صلاح خواهد بود.»

پیرو این اطلاعیه و تعطیلی سینماها، غلام‌رضا فرجی، سخن‌گوی شورای صنفی نمایش، درباره وضعیت اکران فیلم‌ها نیز گفت: شورای صنفی نمایش برای فیلم‌های درحال اکران و فیلم‌هایی که در نوبت اکران هستند و از این تعطیلات متضرر می‌شوند، هفته‌های جبرانی درنظر می‌گیرد و برای ضرر آن‌ها تصمیم می‌گیرد.

او همچنین تاکید کرد: کسانی که برای امروز و فردا ازطریق سایت سینماتیکت بلیت خریده بودند، امکان برگشت پولشان وجود دارد و این سامانه باید پول آن‌ها را برگرداند.

از دیگر رویدادهایی که در سطح کشور تعطیل شده‌اند، می‌توان به جلسات نقد و بررسی فیلم‌های گروه هنروتجربه که قرار بود در روزهای چهارم، پنجم، هفتم و هشتم اسفند برگزار شود، جشنواره فیلم تصویر، آیین اختتامیه نهمین جشنواره بین‌المللی مد و لباس فجر و تمامی کنسرت‌ها و موزه‌ها تا پایان هفته اشاره کرد.

دوازدهمین دوره جشنواره تجسمی فجر نیز به‌عنوان یکی از رویدادهای مهمی که این روزها درحال برگزاری است، از نگرانی‌های شیوع ویروس کرونا در امان نماند و اختتامیه آن که قرار بود امروز ۵اسفند برگزار شود، لغو و به زمان دیگری موکول شد.

اکنون داوری آثار این جشنواره را شورای هنری برعهده دارد و خرید آثار برتر، طبق اعلام قبلی صورت خواهد گرفت.

یادبود

محبوبیت با بازی در آثار ماندگار

به‌مناسبت چهلمین سالروز درگذشت پرویز فنی‌زاده

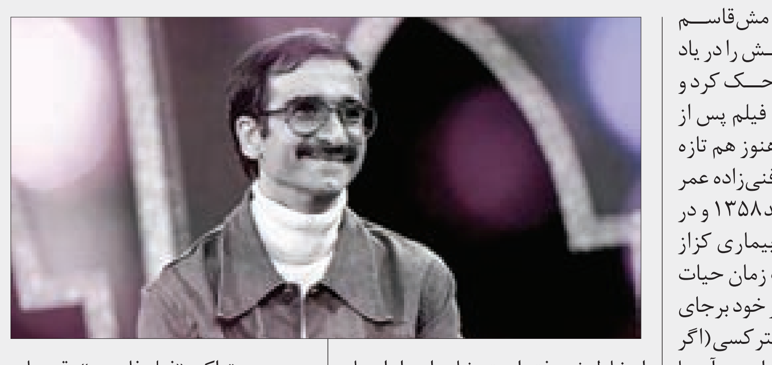

ورشان| با بازی در نقش مش‌قاسم «دایی‌جان ناپلئون»، نامش را در یاد و خاطر سینمادوستان حک کرد و دیالوگ معروفش در این فیلم پس از گذشت بیش از ۴۰سال هنوز هم تازه و شنیدنی است. پرویز فنی‌زاده عمر کوتاهی داشت. او اسفند۱۳۵۸ و در چهل‌ودوسالگی به‌دلیل بیماری کزاز از دنیا رفت اما در اندک زمان حیات هنری خود، آثار ماندگاری از خود برجای گذاشت، به‌طوری که کمترکسی(اگر به تماشای آثاری که فنی‌زاده در آن‌ها بازی کرده است، نشسته باشد)، نقش او از خاطرش رفته است. شاید این از اعجاز بازیگری فنی‌زاده است! او بی‌آنکه در بحبوحه و تراکم «فیلم‌فارسی»، قهرمان داستان فیلم‌های سینمایی باشد، خودش را به محبوبیت رساند.

فنی‌زاده در بیست‌وشش‌سالگی با فیلم «خشت‌وآینه» ابراهیم گلستان پا به عرصه سینما گذاشت و سپس در آثار ماندگاری چون «سلطان صاحبقران» به‌کارگردانی علی حاتمی، «گاو» به‌کارگردانی داریوش مهرجویی، «رگبار»، ساخته بهرام بیضایی و «گوزن‌ها» به‌کارگردانی مسعود کیمیایی، نقش آفرید و محمدباقر خسروی با ساخت فیلم سینمایی «اعدامی» در سال ۱۳۵۸ آخرین حضور او را در سینما ثبت کرد.

نگارستان

مهرگان در «رضوان»

دهمین دوره از نمایشگاه‌های گروهی خوشنویسی «مهرگان» در نگارخانه رضوان برپاست. علاقه‌مندان برای بازدید از این نمایشگاه می‌توانند تا پنجشنبه ۸ اسفند هر روز صبح از ساعت ۹ تا ۱۳ و عصر از ساعت ۱۶ تا ۱۹ به محل این نگارخانه واقع درخیابان کوهسنگی ۱۷ مراجعه کنند.

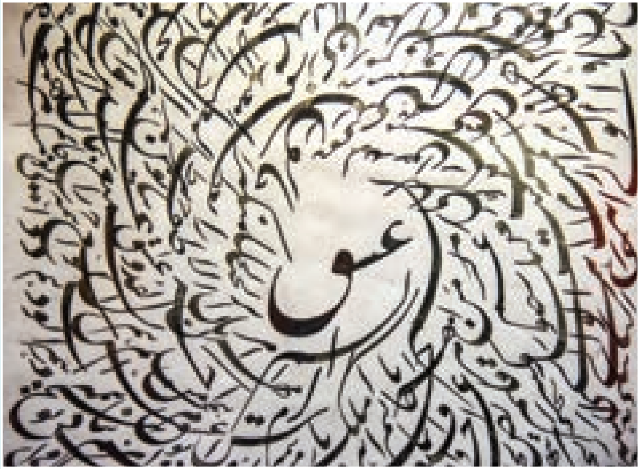

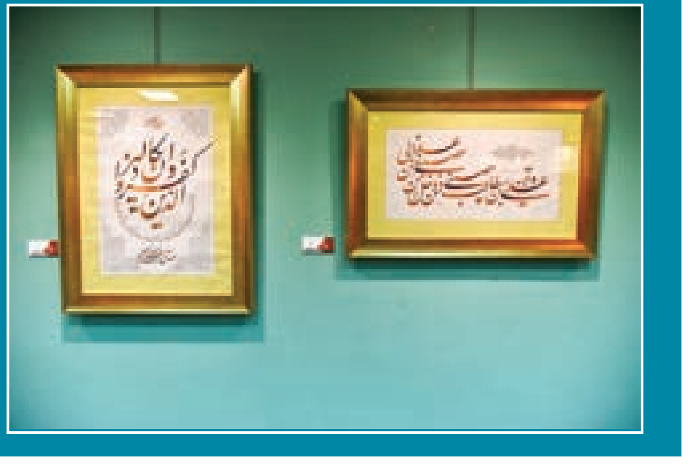

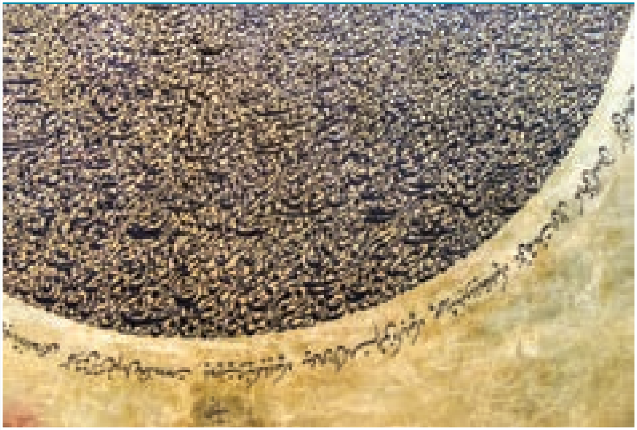

عکس:مرضیه میرنژاد/شهرآرا

خبر

«کاتوره» در راه جشنواره جهانی فجر

فیلم بلند داستانی «کاتوره» محصول مشترک ایران و جمهوری چک در جشنواره بین‌المللی فجر اکران می‌شود.

«کاتوره» فیلم بلند داستانی ۸۰دقیقه‌ای به تهیه‌کنندگی امیر سیدزاده است که بخشی از آن در مشهد فیلم‌برداری شده و میثم حسین زاده هنرمند مشهدی، این فیلم را کارگردانی کرده است. جلوه‌های ویژه بصری هم توسط حسن پیله‌ور انجام شده است و موسیقی فیلم را نیز پیام آزادی در اروپا ساخته است. در بخش فیلم‌برداری هم داوود رحمانی، مدیریت فیلم‌برداری را عهده‌دار بوده و تدوین کار نیز توسط احسان شیبانی انجام‌شده است. همچنین مدیریت تولید این کار بر عهده بهداد الهامی و حامد تهرانی بوده است.

در فیلم «کاتوره» میلاد خزاعی، مهسا اکبرپور، راحیل کافی، مصطفی امیری و رضا سنایی نقش‌آفرینی کرده‌اند. حسن‌زاده، کارگردان مشهدی این فیلم، پیش‌ازاین نیز افتخارات بسیاری را در کارنامه هنری خود داشته است، به صورتی که می‌توان از میان آن‌ها به فیلم‌های «نوای دوباره»، «تولدت مبارک»، «کافه خیابان پیاده‌رو» و «جای خالی حضور» اشاره کرد. این فیلم‌ها به کارگردانی وی توانستند در جشنواره‌های مختلف داخلی و خارجی همچون آکادمی فیلم پنج‌قاره GOLD، FICOCC، آکادمی MOVIE فستیوال فیلم انگلیس، فستیوال فیلم‌های تجربی ایرانی sahar منچستر، MONTHS رومانی، جشنواره فیلم سانتیاگو فلاکوس، جشنواره فیلم WE FILM FESTIVAL هلند، جشنواره فیلم هنر و جنوب شیلی و فستیوال AOF آمریکا حضور یابند.

زندگی با سینما

زیستن با فیلم‌های بیضایی

گزارشی از جلسه نقد و بررسی فیلم «چریکه بهرام» ساخته فرشید قلی‌پور

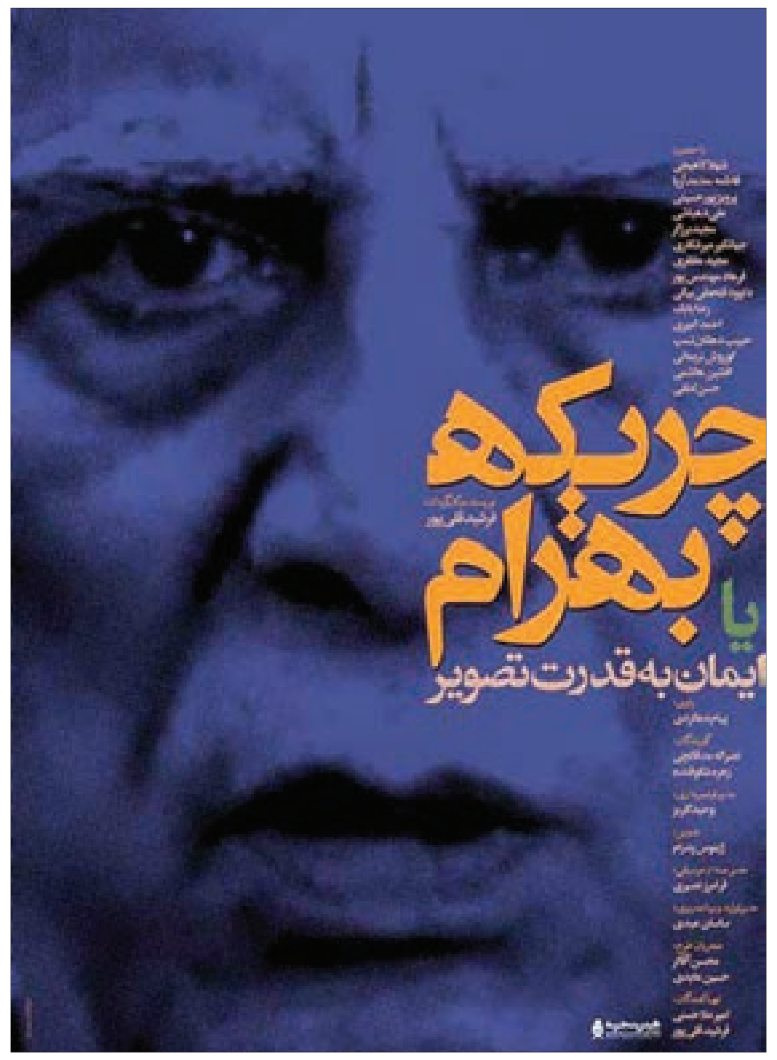

غلامرضا زوزنی| «چریکه بهرام» عنوان فیلمی است که این روزها در گروه «هنروتجربه» اکران می‌شود؛ مستندی درباره استاد بهرام بیضایی که آن را فرشید قلی‌پور، کارگردانی و تهیه کرده است.

نام «چریکه بهرام» مخاطب را به یاد «چریکه تارا» اثر ماندگار بهرام بیضایی می‌اندازد اما محتوای این فیلم هیچ نقطه مشترکی با «چریکه تارا» ندارد و درباره زندگی هنری بهرام بیضایی است.

در شنبه‌های هنروتجربه مشهد که این هفته در پردیس سینمایی هویزه برگزار شد، علاقه‌مندان و دانشجویان سینما به همراه قلی‌پور، فیلم مستند «چریکه بهرام» را تماشا کردند و به گفت‌وگو درباره آن نشستند.

«چریکه بهرام» نخستین فیلم بلند این فیلم‌ساز تهرانی است که بعد از تولید چندین فیلم کوتاه مستند و داستانی، دست به ساخت آن زده است.

این فیلم مستند که در سال ۱۳۹۷ تولید شده است، شامل تصاویری از فیلم‌ها و آثار بیضایی است که لابه‌لای آن، جمعی از سینماگران و صاحب‌نظران درباره این فیلم‌ساز نامی ایران صحبت می‌کنند.

این فیلم، در روزهای جمعه(۱۲/۹)، پنجشنبه(۱۲/۱۵) و یکشنبه(۱۲/۲۵) در پردیس سینمایی هویزه اکران خواهد شد که درصورت بازگشایی سینماها، تا زمان‌های یادشده می‌توانید به تماشای آن بنشینید.

در ادامه، گزارشی از جلسه نقد و بررسی فیلم و گپ‌وگفت با قلی‌پور خواهد آمد.

● **برای بهرام**

سینمادوستان تابه‌حال شاهد چندین فیلم مستند درباره جهان سینمایی هنرمندانی همچون مرحوم عباس کیارستمی و اصغر فرهادی و ابراهیم حاتمی‌کیا بوده‌اند که تعدادی از آن‌ها در سینما و تلویزیون نمایش داده شده است، حتی اگر حافظه سینمایی‌شان یاری کند، شاید ویدئوهایی را که به‌صورت کلیپ درباره بهرام بیضایی سرهم شده بود، به‌یاد بیاورند اما این نخستین فیلمی است که به‌طور مستقل و با سروشکلی مستند درباره این استاد سینما اکران می‌شود و به‌دلیل همین می‌توان گفت تماشای آن مغتنم است.

بیننده در فیلم، سیری در آثار بهرام بیضایی می‌کند که صاحب‌نظران، تاثیر هرکدام را بر سینما و اجتماع بررسی می‌کنند؛ افرادی همچون شهلا لاهیجی، فاطمه معتمدآریا، علی دهباشی، مجید برزگر، مجید مظفری، داوود فتحعلی‌بیگی، رضا بابک، کوروش نریمانی و افشین هاشمی جزو کسانی هستند که در این فیلم درباره همکاری خود با بیضایی و ظرافت‌ها و ویژگی‌های کاری و اخلاقی او سخن می‌گویند.

آن‌ها سررشته کلام را با «آرش» که او در جوانی تالیف کرده است، شروع می‌کنند و در ادامه به «نمایش در ایران» می‌رسند و بعد از آن، درباره «چریکه تارا»، «رگبار»، «مرگ یزدگرد»، «سگ‌کشی»، «مسافران» و «وقتی همه خوابیم» سخن می‌گویند.

● **فیلم‌ساز کم‌سن‌وسال**

فرشید قلی‌پور که دانش‌آموخته دانشگاه هنر تهران است، در این جلسه گفت از زمان آشنایی‌اش با سینما، مجذوب سینمای بیضایی شده است: «سال ۷۶ درمیان منابعی که برای کنکور هنر مطالعه می‌کردم، با کتاب «نمایش در ایران» آشنا شدم و پس از آن رفته‌رفته مجذوب شخصیت بیضایی شدم. از همان‌جا بود که فهمیدم این فرد، ویژه است و باید بیشتر از این‌ها روی آثار او متمرکز شوم.»

او گفت که این فیلم مستند را با این رویکرد ساخته است که سینمادوستان را با جهان بیضایی آشنا کند: «بعد از مطالعه تالیفات و تماشای فیلم‌ها و تئاترهایش، احساس کردم علاقه‌ای در من به این هنرمند وجود دارد. در سال ۹۵ کتابی نوشتم با عنوان «کاوش در سینما و تئاتر بهرام بیضایی» و بعد از آن «بهرام‌نوشت» را آماده چاپ کردم که هر دو این کتاب‌ها را به دست استاد رساندم و او هم ابراز لطف کرد. همین موضوع، باعث ایجاد انگیزه در من برای تولید یک مستند شد.»

قلی‌پور برای تولید این مستند با افراد مختلفی صحبت کرده است تا شاید بتواند پای آن‌ها را نیز به مستند باز کند، اما بعضی از آن‌ها که اتفاقا افراد سرشناسی نیز هستند، حاضر به همکاری با این کارگردان جوان نشده‌اند: «خیلی‌ها به‌خاطر اینکه من از نگاه آن‌ها سن کمی داشتم، پای کار نمی‌آمدند. آن‌ها توقع داشتند کسی که درباره این استاد سینما مستندی می‌سازد، سن‌وسال‌دار و سردوگرم روزگار چشیده باشد.»

● **هدف دوگانه**

او در پاسخ به این سوال شهرآرا که چرا در خط روایت فیلم مستند به یکی از جنبه‌های کاری بهرام بیضایی نپرداخته است، گفت: بابت این جامعیت دو هدف درنظر داشتم؛ اول اینکه خواستم آن‌هایی که با سینمای او آشنا هستند، از تماشای این فیلم خسته نشوند. دوم اینکه می‌خواستم دریچه‌ای برای آشنایی آن‌هایی که از این سینماگر شناختی ندارند، باز کنم، از همین‌رو سعی کردیم کار را بر اساس سینمای استاد بیضایی پیش ببریم؛ چراکه او به قدرت تصویر ایمان دارد و این باور را در فضاهای مختلف با عبارت «ایمان به قدرت تصویر»، بیان کرده است. درکنار این موضوع به تئاتر و پژوهش‌های ادبی‌هنری او اشاره کردیم و در بخشی هم به تالیفاتش پرداختیم.

● **زندگی با جهان بیضایی**

مستندسازان فراوانی با تولید فیلم درباره بزرگان سینما، نام‌ونشانی در سینما به‌دست آورده‌اند. سرآمد آن‌ها نیز فیلم‌سازانی هستند که درباره مرحوم کیارستمی آثاری تولید کرده‌اند. این جریان فیلم‌سازی این شائبه را ایجاد می‌کند که بعضی برای ورود به سینما و دنیای فیلم‌سازی از این شیوه استفاده می‌کنند. قلی‌پور در پاسخ به این مسئله گفت: آن‌هایی که با این نیت وارد فضای تولید فیلم می‌شوند، اندکند اما افرادی که این دست از فیلم‌ها را می‌سازند، غالبا به‌خاطر علاقه شخصی‌شان است. من در همه فیلم‌های کوتاهم ردی از بهرام بیضایی به‌جا گذاشته‌ام. این اتفاقی است که در زندگی من نیز جاری است و زندگی‌ام را با آن پرورانده‌ام. کسی که این زیست را نداشته باشد، نمی‌تواند پرداخت درستی در فیلمش داشته باشد. آن دسته از فیلم‌هایی که درباره فیلم‌سازهای بزرگ کشور ساخته می‌شود، اگر از این روح تهی باشد، به جایی نمی‌رسد.

صاحب خبر

جایزه «ساتریکون» برای کارتونیست شهرآرا

علیرضا پاکدل جایزه ویژه یک جشنواره معتبر در لهستان را به دست آورد

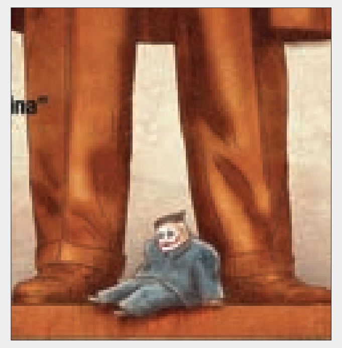

گروه هنر| علیرضا پاکدل، کارتونیست روزنامه شهرآرا، جایزه ویژه جشنواره معتبر جهانی کاریکاتور «ساتریکون» کشور لهستان را به مشهد آورد. جشنواره جهانی «ساتریکون»، یکی از جشنواره‌های معتبر و شاخص در حوزه کارتون و کاریکاتور در دنیاست که هرساله با حضور گسترده هنرمندان کارتونیست از سرتاسر دنیا، در کشور لهستان برگزار می‌شود.

در این دوره، هنرمندانی از ۵۶کشور با یکدیگر به رقابت پرداختند که پس از داوری نهایی در سوم اسفند، کارتون علیرضا پاکدل با موضوع «تنهایی»، جایزه ویژه این جشنواره را از آن خود کرد. این کارتونیست با انتشار پیامی در کانال تلگرام خود، جایزه‌اش را به مردم ایران و مشهد تقدیم کرد.

تماشاخانه

یکه‌تازی با «مونوراز»

اولین دوره جشنواره تئاتر دانشجویی
درقالب اجراهای تک‌نفره در مشهد برگزار می‌شود

عکس:احمد حسنی/شهرآرا

شکیبا افخمی‌راد| مرکز آموزش علمی کاربردی فرهنگ و هنر یک خراسان رضوی، اولین دوره جشنواره تئاتر دانشجویی «مونوراز» را برای دانشجویان بازیگری تئاتر و سینمای خود کلید زده است؛ رویدادی که به اجراهای مونولوگ اختصاص دارد و به نوعی اولین جشنواره تک‌نفره دانشجویی در استان خراسان‌رضوی محسوب می‌شود. روز گذشته نشست خبری این جشنواره با حضور متولیان آن برگزار و درباره نحوه اجرای آن توضیحاتی به اصحاب رسانه داده شد.

به‌گفته مهدی خادمی، دبیر جشنواره و مدیرگروه رشته تئاتر و سینمای دانشگاه فرهنگ و هنر، با اعلام فراخوان، ۵۴متن به دست دبیرخانه مستقر در دانشگاه رسید که از میان آن‌ها بعد از بازخوانی آثار، ۳۰متن به مرحله بازبینی راه پیدا کرد. درنهایت بعد از انجام بازبینی‌ها ۱۲اثر به‌عنوان راه‌یافتگان به بخش مسابقه و ۲اثر به عنوان مهمان معرفی شدند.

خادمی در ادامه، هدف از برگزاری این رویداد را این‌گونه توضیح داد: «این جشنواره بستری را فراهم می‌کند تا دانشجویان رشته تئاتر و سینما بتوانند دست به تولید بزنند و دانش تئوری و آموخته‌های خودشان را عملیاتی کنند و به اجرا دربیاورند.»

او درباره دلیل مونولوگ بودن تئاترهای جشنواره گفت: هرچند این نمایش‌ها یک بازیگر دارد، افراد مختلفی ازجمله کارگردان، نویسنده، طراح صحنه و... برای روی صحنه بردن یک اثر تلاش می‌کنند که این موضوع می‌تواند بستر فعالیت‌های گروهی را فراهم کند. ازسوی دیگر مونولوگ یکی از گونه‌های سخت اجرایی است که بیش از اجراهای گروهی، می‌تواند ضعف‌های بازیگر را نشان دهد. همچنین فرصتی است تا دانشجویان بازیگری ازطریق این نوع اجرا بتوانند تمام آموخته‌های خودشان را به نمایش بگذارند.

به‌گفته خادمی، اجراهای جشنواره از دوشنبه ۵اسفند در تالار فردوسی مجتمع جهاددانشگاهی آغاز خواهد شد و تا چهارشنبه ۷اسفند ادامه خواهد داشت. همچنین ساعت ۱۸ چهارشنبه‌شب، اختتامیه جشنواره در همین محل برگزار خواهد شد.

خادمی درباره نحوه داوری و جوایز این رویداد دانشجویی توضیح داد: رضا صابری، محمدمداح حسینی و ریحانه سلامت، داوری آثار جشنواره را برعهده دارند و با نظر این استادان، جوایز ارزشمندی به برگزیدگان داده خواهد شد. همچنین تلاش می‌کنیم دو اثر برگزیده جشنواره بتوانند در رویدادهای دانشگاهی دیگر حضور پیدا کنند و در یکی از سالن‌های شهر نیز به اجرای عمومی برسند.

● **به تعویق افتادن جشنواره «مونوراز»**

در ادامه، اکرم‌السادات زعفری‌نژاد، رئیس هیئت‌امنای مرکز علمی کاربردی فرهنگ و هنر یک، از برنامه‌های آینده این مرکز برای ادامه داشتن جشنواره تئاتر دانشجویی «مونوراز» گفت: این جشنواره امسال اولین دوره‌اش را با حضور دانشجویان خود و به‌صورت داخلی پشت‌سر خواهد گذاشت اما باتوجه‌به جنب‌وجوش و عشق و علاقه‌ای که درمیان دانشجویان و استادان مرکز در دوسه ماه اخیر دیدیم، حتما تلاش می‌کنیم دوره‌های بعد را با حضور دانشجویان دانشگاه‌های دیگر برگزار کنیم. همچنین دبیرخانه دائمی این رویداد را در دانشگاه فرهنگ‌وهنر تشکیل خواهیم داد.

زعفری‌نژاد درباره احتمال لغو این رویداد باتوجه‌به شیوع ویروس کرونا در کشور نیز توضیح داد: اگر وزارت علوم و دانشگاه جامع، دانشگاه‌های استان را تعطیل کنند، برگزاری این رویداد لغو نخواهد شد، بلکه به تعویق خواهد افتاد.